

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قانون لاوازیه و آفرینش جهان،

هر خطبه به خدا نیاز مندیم

درسهایی از اصول دین، شماره دو

نام جزوه: قانون لاوازیه و آفرینش جهان، هر لحظه به خدا نیازمندیم

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

٤ / قانون لاوازيه و آفرينش جهان، هر لحظه به خدا نياز منديم

فهرست مطالب

هر یک از ما شعله‌ی آتش را دیده‌ایم و می‌شناسیم. هنگامی که آتش زبانه می‌کشد، هیچ فکر کرده‌اید شعله چیست؟ امروزه می‌دانیم که شعله در اثر ترکیب گاز^۱ با اکسیژن هوا به وجود می‌آید ولی برخی از شیمی‌دان‌های قدیم فکر می‌کردند که یک چیز نامرئی در زغال و یا نفت وجود دارد و به هنگام آتش گرفتن به صورت شعله، خارج می‌گردد. و برای آن اسم‌هایی از قبیل «سولفور» می‌گذارند.

۶ / قانون لاوازیه و آفرینش جهان، هر لحظه به خدا نیازمندیم

این نظریه کم کم هواداران زیادی پیدا کرد و دانشمندان زیادی آن را تأیید کردند و آن ماده‌ی نامرئی را «فلوژستون»^۱ نام نهادند.

اشتاها^۲ (۱۷۳۴ - ۱۶۶۰) گفت: ماده‌ی

فرآری به نام فلوژستون - که همان اصل و روح آتش است - در نهاد مواد سوختنی وجود دارد و هنگام سوختن به صورت شعله از آن‌ها خارج می‌شود و توضیح داد: علت

۱. مراد گازی است که از درون مواد خارج می‌شود.

۲. Stahl دانشمند آلمانی و شیمیست و زیست‌شناس که در سال ۱۶۹۴ استاد دانشگاه هال گردید (کتاب تاریخ علوم

پی‌یر روسو صفحه‌ی ۳۰۳ - ۳۰۴ چاپ چهارم).

درسهایی از اصول دین، شماره چهارم / ۷

این‌که چوب، زغال و روغن خیلی زود می‌سوزد، این است که در آن‌ها مقدار بیشتری فلورستون هست ولی در فلزات مقدار کمتری. او و سایر هواداران این نظریه، معتقد بودند که چون آهن را به وسیله‌ی حرارت بسوزانیم، فلورستون آن خارج شده بقیه، به صورت زنگ به جای می‌ماند.

و نیز در مورد گوگرد می‌گفتند: اگر گوگرد را بسوزانیم، فلورستون آن خارج شده گاز بی‌رنگی که در واقع همان گوگرد بی‌فلورستون است، باقی می‌ماند.

۸ / قانون لاوزیه و آفرینش جهان، هر لحظه به خدا نیازمندیم
«روئل»^۱ - از شیمی دان‌های بزرگ و استاد
لاوازیه نیز این نظریه را قبول داشت و در راه
اثبات آن خیلی کوشش می‌کرد.
لاوازیه^۲ دانشمند فرانسوی که یکی از
پایه‌گذاران علم شیمی جدید است، سخنان
استاد خود روئل و دانشمندان سابق را مورد
مطالعه قرارداد و در پیرامون آن‌ها دقت کرد تا
اینکه متوجه شد اعتقاد به وجود فلورستون
اساسی ندارد.

۱ . Rouelle دانشمند پارسی متولد ۱۷۰۳ متوفی ۱۷۷۰.

۲ . Lavoisier متولد ۱۷۴۳ متوفی ۱۷۹۴.

درسهایی از اصول دین، شماره چهارم / ۹

او در سال ۱۷۷۲ قطعه سربی را با نور خورشید - که به وسیله‌ی یک عدسی، متمرکز شده بود سوزاند و ملاحظه کرد که وزن آن، زیاد شده است. با خود گفت قسمتی از هوا با فلز ترکیب شده و وزن آن را افزوده است و اگر فلوزستون وجود داشت بایست وزن آن کاسته می‌شد، پس باید تئوری فلوزستون را کنار گذاشت.

وی برای تأیید این نظریه‌ی اظهار داشت اگر سرب سوخته شده را حرارت دهیم، هوای جذب شده را پس می‌دهد، و دوباره به سرب تبدیل می‌شود.

۱۰ / قانون لاوازیه و آفرینش جهان، هر لحظه به خدا

نیازمندیم

و نیز در سال ۱۷۷۶ چراغی را زیر ظرفی
پراز جیوه قرارداد و مدت ۱۲ روز آن را
حرارت داد. طولی نکشید که پوسته‌ی نازک
قرمز رنگی، سطح جیوه را پوشاند.

لاوازیه دریافت که: هوای داخل ظرف
دیگر قابلیت تنفس ندارد و باز با خود گفت
حتماً قسمتی از هوای داخل ظرف با جیوه
ترکیب شده که این پوسته‌ی قرمز رنگ به
وجود آمده است و برای تأیید این گفتار
پوسته‌ی قرمز را جدا کرده و حرارت داد و
مشاهده کرد که از آن گازی خارج می‌شود که

درسهایی از اصول دین، شماره چهارم / ۱۱

قابل تنفس است و بالاخره نتیجه گرفت که به هنگام سوختن جیوه، چیزی از آن خارج نمی‌شود بلکه در هوا گازی است که با جیوه ترکیب می‌شود و تولید اکسید جیوه می‌کند. او این گاز را اکسیژن نامید.

لاوازیه با صراحت اظهار داشت که مسأله‌ی فلورستون حقیقت ندارد و در ضمن فعل و انفعالات شیمیایی، همواره وزن مجموع اجسامی که وارد عمل می‌شوند برابر است با وزن موادی که به دست می‌آیند و یا به عبارت دیگر: «چیزی از بین نرفته و چیزی اضافه نمی‌گردد» (۵).

۱۲ / قانون لاوازیه و آفرینش جهان، هر لحظه به خدا

نیازمندیم

بدین ترتیب نظریه فلورستون هواداران خود را از دست داد و امروزه ما می‌دانیم اشتغال آتش و نفت به علت ترکیب آن‌ها با اکسیژن، صورت می‌گیرد نه آنکه ماده‌ای نامرئی به صورت شعله، از آتش خارج می‌شود. در هر صورت، سیر تاریخی تئوری فلورستون و نظریه‌ی لاوازیه روشن می‌کند که مقصود لاوازیه از این جمله: «چیزی از بین نرفته و چیزی اضافه نمی‌گردد» آنست که در فعل و انفعالات شیمیایی چیزی از بین نمی‌رود و چیزی اضافه نمی‌شود و نظری اصل پیدایش

درسهایی از اصول دین، شماره چهارم / ۱۳

موجودات و آفرینش که یک مسأله‌ی فلسفی است، ندارد.

ولی متأسفانه برخی پنداشته‌اند لاوازیه می‌خواهد یک مطلب فلسفی بگوید، پس گفته‌اند: مسأله‌ی پیدایش و خلقت، با قانون لاوازیه نمی‌سازد زیرا او می‌گوید هیچ‌چیز به وجود نمی‌آید و هیچ‌چیز از بین نمی‌رود پس چگونه ممکن است چیزی آفریده‌شده باشد؟ در صورتی که با توجه به سیر تاریخی تئوری فلورژستون و قانون لاوازیه، کاملاً واضح است که نظر او تنها در مورد فعل و انفعالات شیمیایی است که در جهان حاضر صورت

۱۴ / قانون لاوازیه و آفرینش جهان، هر لحظه به خدا

نیازمندیم

می‌گیرد، یعنی جهان کنونی طور است که در آن چیزی از بین نرفته و چیزی اضافه نمی‌گردد. و اما اینکه جهان آفریده شده است و یا از ابتدا به همین حالت موجود بوده مسأله‌ای است فلسفی، که قانون لاوازیه نسبت به آن کاملاً ساکت است.

پس عقیده به این که خداوند جهان را آفرید با قانون لاوازیه هیچ‌گونه منافاتی ندارد. بنابراین هنگام فراگرفتن تئوری‌های علمی و نظرات دانشمندان، باید با دیدی، عمیق‌تر در گفته‌ی آنان نگریست و دقت کافی به عمل

درسهایی از اصول دین، شماره چهارم / ۱۵

آورد و در مورد آن‌ها، با افراد مطلع و مطمئن گفتگو کرد، تا حقیقت روشن گردد زیرا ممکن است در اثر سهل‌انگاری، مسائل اعتقادی مورد شبهه و اشکال قرار گیرد.

علاوه بر این ما نباید بدون آگاهی همه‌جانبه تسلیم یک تئوری بشویم و آن را مانند حقایق ثابت علمی، تصور کنیم، چه بسا نظریاتی که قرن‌ها دانشمندان زیادی از آن‌ها پشتیبانی می‌کردند ولی یک‌باره از بین رفت و اثری از آن باقی نماند. نمونه‌ی آن‌ها همین مسأله‌ی فلورژستون بود که تاریخچه‌ی آن را خواندید و حتی قانون لاوازیه نیز امروز

۱۶ / قانون لاوازیه و آفرینش جهان، هر لحظه به خدا

نیازمندیم

صورت قبلی خود (اصل بقای ماده) را از دست داده و به صورت «قانون بقای ماده و انرژی» درآمده است. یعنی اگر مثلاً مقدار ۸ گرم اکسیژن را با ۱ گرم هیدروژن ترکیب کنیم طبق قانون لاوازیه باید ۹ گرم آب به وجود آید و حال این که امروز با محاسبات دقیق معلوم می‌شود که مقدار بسیار ناچیزی از ماده به صورت انرژی حرارتی، ظاهر شده و مقدار آب به دست آمده، اندکی کمتر از ۹ گرم می‌باشد.

درسهایی از اصول دین، شماره چهارم / ۱۷

هر لحظه به خدا نیازمندیم

مخترع با آفریننده چه فرقی دارد؟

در مثال‌های زیر دقت کنید و ببینید

موجودات جهان تا چه اندازه به سازنده‌ی خود
محتاجند:

۱- سازنده‌ی هواپیما در ساختن آنچه

نقشی دارد و کار او چیست؟

سازنده‌ی هواپیما قطعات فلز و سایر مواد

لازم را با اسلوب مخصوص و فرمول

حساب شده روی یکدیگر سوار می‌کند؛ تا

برای پرواز و حمل مسافر و بار، آماده شود.

۱۸ / قانون لاوازیه و آفرینش جهان، هر لحظه به خدا

نیازمندیم

البته کار سازنده‌ی هواپیما همان حرکت دست اوست که مصالح و مواد اولیه را با اسباب و شرایط موجود؛ به صورت‌های مختلف و لازم در می‌آورد، به طوری که با تمام شدن کار او آن حرکات نیز پایان می‌یابد. ولی فلزات، موتور، چراغ و صندلی هواپیما که به دنبال حرکات دست سازنده به این صورت‌ها در می‌آید از آن سازنده نیست و بستگی به او ندارد.

۲- می‌خواهیم خانه‌ای بسازیم و همه نوع مصالح ساختمانی موجود است؛ به چه چیز

درسهایی از اصول دین، شماره چهارم / ۱۹

نیازمندیم؟ آیا استخدام بنا و کارگر بدین جهت است که مصالح ساختمانی را به وجود آوردند یا آنکه مصالح موجود را با اسلوب فنی ترکیب نمایند؟

روشن است که در ایجاد مصالح ساختمانی احتیاجی به بنا و کارگر نداریم و تنها در کاربرد آن مصالح به آن افراد نیازمندیم تا با اسباب و شرایطی که موجود است، خانه‌ی موردنظر به وجود آید.

۳- کسی که برج ایفل را ندیده است وقتی ویژگی‌های آن را می‌شنود، می‌تواند در یک چشم برهم زدن، آن را در ذهن خود

۲۰ / قانون لاوازیه و آفرینش جهان، هر لحظه به خدا

نیازمندیم

بسازد و حتی آن را بسی بلندتر بنا کند و مردمی را نیز تصور کند که از آن بالا می‌روند. وجود این برج ذهنی برخلاف مثال‌های گذشته از همان کسی است که آن را در ذهن خود تصوّر کرده است.

مصالح ساختمانی هواپیما و خانه از سازنده‌ی آن‌ها نبود ولی مصالح ساختمانی این برج ذهنی همه از آن کسی است که آن را در خیال خود به وجود آورده است نه این‌که از جای دیگر تهیّه شده باشد. به همین جهت آنچه ساخته‌ی خیال است؛ تابع مقدار مصالح

درسهایی از اصول دین، شماره چهارم / ۲۱

موجود در خارج، نمی‌باشد بلکه به هر مقدار
که خیال‌کننده بخواهد می‌تواند آن را گسترش
دهد.

بنابراین صورت‌های ذهنی همه از وجود
ما سرچشمه می‌گیرند و تا موقعی وجود دارند
و در نظر ما حاضرند که بخواهیم موجود
باشند و هرگاه از آن‌ها صرف‌نظر کنیم از بین
می‌روند و وجود و حضوری در ذهن ما
نخواهند داشت.

از مثال اخیر به این نتیجه می‌رسیم که: هر
چیز که وجودش از آن دیگری باشد از خود

۲۲ / قانون لاوازیه و آفرینش جهان، هر لحظه به خدا

نیازمندیم

**استقلالی ندارد و در هر لحظه به او محتاج و
نیازمند است.**

اکنون باید دید موجودات جهان که از
نیستی به وجود آمده‌اند. و وجودشان از آن
خداست؛ چگونه‌اند؟ آیا آن‌ها هم هر لحظه به
آفریدگار خود محتاج و نیازمندند؟

ممکن است برخی این‌طور فکر کنند که:
موجودات جهان پس از آن‌که آفریده شدند؛
دیگر در ادامه‌ی هستی به آفریدگار خود نیازی
ندارند!

درسهایی از اصول دین، شماره چهارم / ۲۳

در صورتی که این فکر کاملاً اشتباه است،
زیرا موجودات جهان آثار و مخلوق‌های خدا
هستند و درست مانند صورت‌های ذهنی که
پدیده‌ی ماست هر لحظه در وجود و هستی و
ادامه‌ی آن، به پدیدآورنده‌ی خود احتیاج دارند.
برای توضیح این موضوع، در ذهن خود
آدمکی بسازید که به اختیار خود راه برود،
حرف بزند و کار کند. آیا این آدمک در هستی
خود استقلالی دارد؟

معلوم است که وجود او از آن شماست
به طوری اگر شما نخواهید موجود باشد، باقی
نمی‌ماند و از بین می‌رود.

۲۴ / قانون لاوازیه و آفرینش جهان، هر لحظه به خدا

نیازمندیم

همچنین سراسر جهان آفرینش که همه از آن خدا و آفریده و پدیده‌ی اوست و از خود چیزی ندارد، همیشه به خدا نیازمند است و همان‌طور که تا خدا نخواهد آن‌ها وجود پیدا نمی‌کنند؛ ادامه‌ی وجود آن‌ها نیز بستگی به خواست خدای بزرگ دارد.

خدا در قرآن کریم می‌فرماید: «ای مردم، شما - در هستی و ادامه‌ی آن و در همه چیز - به خدا نیازمندید و خدا بی‌نیاز و ستوده است

درسهایی از اصول دین، شماره چهارم / ۲۵

اگر بخواهد شما را می‌برد و مخلوق تازه‌ای
می‌آورد».^۱

این موضوع حقیقتی است که اسلام
پیروان خود را همواره به آن توجه می‌دهد مثلاً
توصیه می‌کند که: در نماز هنگام برخاستن،
بگویید: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ اقُومُ وَ اقْعُدُ» با
قدرت و نیروی خدا برمی‌خیزم و می‌نشینم.
راستی اگر متوجه باشیم که ما، در برابر خدا
استقلالی نداریم؛ و تنها اوست که ما را

۲۶ / قانون لاوازیه و آفرینش جهان، هر لحظه به خدا

نیازمندیم

خردمند و مختار آفریده است تا در راه

خوشبختی‌ها بکوشیم...

و تنها اوست که: همواره مهر گرم و

فراگیرنده‌اش شامل ما می‌شود؛

بی‌اختیار، سپاس را، پیشانی بر آستان

فرازمند او می‌ساییم و می‌گوییم: «سبحان ربی

الاعلیٰ و بحمده».